

## آسیب‌شناسی مجالس عزاداری.....

رضا بابایی

محقق و نویسنده

### چکیده

آنچه پیش روی خواننده گرامی است، طرح و شرح مختصر آسیب‌های عزاداری است. متأسفانه، شمار آفات وارده بر مجالس عزاداری، اندک نیست. از این رو در این نوشتار، پس از توضیح مختصری درباره حکمت سوگ و سابقه و فواید آن، برخی از مهم‌ترین آسیب‌ها را نام برده‌ایم که عبارت‌اند از: ۱. ناهمخوانی با روح نهضت حسینی؛ ۲. تحریف و انحراف؛ ۳. غلو؛ ۴. مداح محوری و سکوت عالمان؛ ۵. سوء استفاده‌های مالی.

نیز در بخش «آسیب‌های دیگر» سیزده آفت را فهرست وار یاد کرده‌ایم؛ مانند «اکتفا به مداحی و کاستن از برنامه‌های محتوایی»، «استفاده از الحان و نغمه‌های مبتذل یا هر آهنگی که ترانه‌های مشهور را برای شنونده تداعی می‌کند»، «استفاده از دلایل سست برای اثبات حقایق استوار»، «استفاده از تعابیر خوارکننده و ترحم‌انگیز»، «افراط در شاعرانگی»، «طولانی شدن برنامه‌ها تا دیر وقت»، «آسیب رساندن به بدن یا قمه یا هر وسیله دیگر»، «مریدسازی»، «غلبه بُعد عاطفی و رثایی بر بُعد عقیدتی و حماسی عاشورا»، «استفاده از اشعار و نواهایی که در شأن عزاداری نیست». در پایان نیز یادآوری شده است که مبارزه با آفات عزاداری نیاز به عزم همگانی، به ویژه حضور عالمان و فرهیختگان در این میدان سرنوشت‌ساز دارد.

کلید واژه: امام حسین (ع)، عاشورا، عزاداری، آسیب‌شناسی، هدف‌شناسی قیام عاشورا.

## پیش گفتار

واقعه غمبار عاشورا، بی هیچ شک و تردیدی، زخمی ترین قطعه تاریخ شیعه و اسلام است؛ دست کم به دو جهت: نخست به دلیل حوادث تلخ و نامروری که در این روز شگفت رخ داد، و دیگر مواجهه و معامله پسنیان با آن. می سزد که باور کنیم این روز بزرگ را قدر ندانستیم و از چشمه جوشان آن، کام دین عقل و روح و اندیشه خویش را - آنسان که باید و شاید - سیراب نکر دیم.

عاشورا، یک اتفاق نبود؛ فرهنگنامه حماسه و جوانمردی بود. موضوع قیام کربلا، حسین(ع) است و او خود می گفت: لَکُم بئِ اُسوه. <sup>۱</sup> اگر حسین(ع) فی الواقع برای ما اسوه بود و ما به او تأسی می کردیم، اکنون سرنوشتی دیگر داشتیم و در نقطه ای دیگر ایستاده بودیم. «یک عاشورا اگر آن طور که می باید و ائمه طاهرین(ع) در نظر داشتند، برگزار گردد، بس است تا سرنوشت ملت هایی را عوض کند.» <sup>۲</sup> آری؛ نام حسین را باید زنده نگاه داشت؛ اما این را نیز باید دانست که حسین، فقط یک نام نیست؛ مکتب و آرمان و توصیه نیز هست. یعنی قناعت به ذکر نام و تکرار هر ساله و هر روزه آن به تنهایی مشکلی را حل نمی کند.

در میان گروه های دینی و اجتماعی، عده ای خود را وقف اهداف و آرمان های حسینی کرده اند و گروهی نیز به انگیزه های مختلف، روز و روزگار خود را با نام و یاد حسین(ع) می گذرانند. در این میان، گروه مداحان و مرثیه سرایان جایگاهی ویژه یافته اند و گراف نیست اگر بگوئیم اکنون این خیل پر شمار و مقتدر، بخشی از سرنوشت عاشورا را در روزگار ما به دست گرفته اند و در این مصاف، حتی عالمان و خطیبان را نیز گاهی مغلوب صدا و نغمه های خود می کنند. آنان «گردن این مثنوی را بسته اند / می کشند آنجا که خود دانسته اند.»

به قطع و یقین می توان گفت که مجالس عزاداری با همه فواید و برکاتی که دارند، در معرض آفات و آسیب های بسیاری نیز هستند. سوگمندان، فرصت بسیاری از مجالس ارزشمند عزاداری، گاهی صرف اموری می شود که نزد عالمان دینی و محققان دلسوز، پسندیده و برازنده نیست. هر مجلسی که به نام حسین(ع) برپا می شود، سرمایه ای عظیم برای مسلمانان است که مع الاسف باید اقرار داد که گاه این سرمایه گران هدر می رود. ذکر مصیبت، فضیلتی است که هیچ خطابه و تحقیقی جای آن را نمی گیرد. به همین دلیل همه آنان که دل در گرو

دین و مذهب دارند، باید در سالم سازی و تصفیة این بخش از دینداری مردم بکوشند و از بذل مال و جان و آبرو و اعتبار خود در این راه دریغ نکنند. زیرا، قدرت نفوذ و تأثیرگذاری مجالس دینی به قدری است که نمی توان از آنها چشم پوشید و به باروری بیشتر آنها نیندیشید. عاشورا، هر چه باشد، بیش تر و فراتر از دین و حقیقت نیست؛ پس هر چه از حقیقت دین و حق گویی بیشتر فاصله گیریم، از عاشورا دورتریم؛ اگر چه با خوش ترین صداها، گرم ترین اشک ها را از مردم بگیریم.

پس عزایر خود کنید ای خفتگان  
زانکه بد مرگی ست این خواب گران  
بر دل و دین خرابت گریه کن  
که نمی بیند جز این خاک کُهن

## انسان و عزاداری

سوگواری، جزئی از فرهنگ دینی و ملی ما است. «ما» در اینجا یعنی شیعیان ایرانی، یا ایرانیان شیعی. درباره مبانی و ریشه های عزاداری در متون دینی و سنت معصومین (ع) تاکنون تحقیقات و مقالات بسیاری منتشر شده است؛ اما سابقه تاریخی سوگ در ایران باستان، نیاز به پژوهش های بیشتری دارد. برای آنکه معلوم گردد سوگ و سوگواری در مرام تاریخی ایرانیان بوده و تشیع به آن رنگ و بوی دینی داده است، به اشاره ای بسنده می کنیم.

در صفحات آغازین شاهنامه می خوانیم: اولین پادشاه اساطیری ایران، کیومرث یزدان پرست بود. زمامداری کیومرث و کیش توحیدی او، دشمنی اهریمن خود پرست را برانگیخت. اهریمن پسر دیو صورت و شیطان صفتش را با سپاهی گران به واژگونی تخت کیومرث روانه کرد. همزمان سروش غیب نزد سیامک، فرزند کیومرث آمد و او را از قصد سوء اهریمن خبردار کرد. سیامک لشکری بیاراست و به جنگ اهریمنان دیوسیرت رفت. در این جنگ، دیو سیاه، سیامک را می کشد و جگرش را از سینه بیرون می آورد. خبر به تخت گاه می رسد. کیومرث و ایرانیان یک سال در سوگ سیامک می نشینند. فردوسی، در اینجا از آیین سوگواری پدر و مردم در مرگ سیامک سخن می گوید و نشان می دهد که

ایرانیان در دوره باستان نیز در سوگ شهیدان خود می‌گریستند و یاد و نام آنان را - با آیین‌های ویژه - زنده نگه می‌داشتند.

پس از یک سال، سروشی از سوی خداوند می‌آید و ندا می‌دهد سوگواری بس است و به جنگ اهریمن روید. این بار سپاهی به سالاری هوشنگ فرزند سیامک به جنگ دیو سیاه می‌رود.

هوشنگ او را می‌کشد و پیروز مندانه به وطن باز می‌گردد. پس از چندی کیومرث نیز می‌میرد و هوشنگ بر تخت پادشاهی می‌نشیند.<sup>۳</sup>

در این حکایت که نخستین داستان شاهنامه است، به خوبی برخی از مهم‌ترین وجوه فرهنگ ایرانی آشکار می‌گردد؛ خصایلی همچون دین‌داری، حق‌پرستی، جایگاه رفیع پدر و سنت سوگواری.

همین وجوه ملی را، فردوسی در سوگ سیاوش نیز بازگویی می‌کند. از این همه، چنین بر می‌آید که ایرانیان همچون اکثر اقوام و ملل متمدن، سوگواری در عزای عزیزان خود را حرمت می‌نهادند و از این رهگذر یاد و خاطره آنان را زنده نگه می‌داشتند. مراسم یادآوری مصلوب شدن حضرت عیسی (ع) در دین مسیحیت، یادواره «خون سیاوش» و داستان «مرگ سهراب» در ایران باستان، نمونه‌هایی دیگر از اهتمام مردم جهان به احیای نام و یاد بزرگان خود از طریق عزاداری است.

## اسلام و عزاداری

پس از ورود اسلام به ایران، در صورت و سیرت سوگواری، دگرگونی‌های بنیادین رخ داد. سوگ‌ها، جهت‌دار و هدف‌مند شد، و ماهیت دینی یافتند. به جز فرقه وهابیت و طرفداران ابن تیمیه، هیچ یک از مذاهب اسلامی، سوگ و سوگواری را نشانه مرده پرستی یا شرک نپنداشت.<sup>۴</sup> برای نمونه، می‌توان کشور شافعی مذهب مصر را نام برد که در عزاداری برای حضرت سیدالشهداء (ع) در ایام عاشورا و تاسوعا، همچون کشورهای شیعی، سنگ تمام می‌گذارد. بررسی مبانی و پشتوانه‌های دینی عزاداری را باید به تحقیق و مجال جداگانه‌ای سپرد؛ اما آنچه در اینجا هدف گفتگو و بررسی است، آفاتی است که بر درخت ریشه‌دار عزاداری

نشسته است و خون صاف آن را می‌مکد. این آفت‌ها و آسیب‌ها را بارها از زبان بزرگان و مراجع دینی، شنیده‌ایم، اما گویا همچنان باید گفت و شنید. آسیب‌ها، قدرت و بیرانگری دارند و می‌توانند برنامه‌ای را که برای حفظ دین وضع شده است، به عاملی برای مسخ آن تبدیل کنند.

در روزگار ما بدترین و شنیدنی‌ترین صدایی که آسیب‌های عزاداری را آماج خود کرد و حسینیان را هشدار داد که در دام تحریف گرفتار نیایند، صدای مرحوم استاد شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی بود. آن صدا همچنان گوش‌ها را می‌نوازد و دل‌ها را می‌لرزاند؛ اما سوگمندان آفات عزاداری نیز همچنان زخم می‌زنند و قربانی می‌گیرند.

در قرآن، از عزاداری به صراحت سخن نرفته است؛ اما احکام و مفاهیمی که عزاداری مصداق آنها است، در قرآن فراوان است؛ مانند آیاتی که به اظهار مظلومیت و اعلام ظلم امر می‌کند، و آیاتی که بر مودت اهل بیت (ع) تأکید دارند، و آیاتی که دلالت بر سوگواری بعضی از انبیا یا اولیای الهی داشته‌اند، مثل سوگواری حضرت یعقوب در فراق فرزندش حضرت یوسف، و آن گروه از آیاتی که بزرگداشت شعائر الهی را توصیه فرموده‌اند. آیات مباحله و تطهیر و مانند آنها نیز به نوعی اشاره به جایگاه خاندان رسول (ص) می‌کنند. صاحب تفسیر البرهان نقل می‌کند: وقتی آیه نفس مطمئنه<sup>۵</sup> نازل شد، پیامبر فرمود: «قوم یهود، عهد خدا را نقض و رسولان او را تکذیب کردند و اولیای الهی را کشتند... قومی از ملت من نیز شریعت و سنت مرا عوض می‌کنند، فرزندانم حسن و حسین را خواهند کشت، همان طور که یهود، زکریا و یحیی را کشتند.»

روایات، با صراحت بیشتری عزاداری برای اموات عموماً و حضرت حمزه (ع) و امام حسین (ع) خصوصاً را تجویز و توصیه می‌کنند. اما از آنجا که موضوع نوشتار حاضر، آسیب‌شناسی عزاداری برای سیدالشهداء (ع) است، از نقل و تحلیل روایات مذکور صرف نظر می‌کنیم.<sup>۶</sup>

ناگفته نماند که برخی از روایات اهل سنت، با عزاداری مخالفت کرده‌اند، اما با اندکی توجه معلوم می‌گردد که این گروه از روایات، مخالف اصل عزاداری نیستند؛ بلکه بیشتر در مقام نهی و جلوگیری از بعضی کارهای ناشایست در عزاداری‌اند؛ مانند فریاد کردن، گریبان دریدن، سخن باطل گفتن، ایذای نفس و کفرگویی....

در میان شیعیان، عزاداری و گریه برای ابا عبدالله، ماجرای ویژه دارد؛ تا آنجا که گاهی شیعه را با همین رسم و آیین می‌شناسند. تا پیش از قرن چهارم، شیعیان به صورت پنهان عزاداری می‌کردند - همان طور که جشن و سرور در روز عید غدیر (۱۸ ذیحجه) نیز پنهان بود - و از آن پس آشکار شد.

معزالدوله دیلمی، از سلاطین مقتدر آل بویه، سهم بسیاری در آزادی شیعه برای برگزاری مراسم حسینی دارد. وی مردم بغداد را به عزاداری برای امام حسین (ع) تشویق می‌کرد. در سال‌های بین ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم، مراسم عاشورا، بسیار مهم تلقی و اجرا می‌شد. در همین سال‌ها، خلفای فاطمی، مصر را به تصرف خود در آوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و از آن پس مراسم عاشورا در مصر نیز برگزار می‌شد. سابقه عزاداری برای امام حسین (ع) در ایران به اوایل قرن دوم بر می‌گردد.

اما حکمت عزاداری برای سیدالشهداء چیست؟ آیا عزاداران از عمل خود سودی می‌برند؟ درباره این موضوع نیز می‌توان به تفصیل و جداگانه سخن گفت و مقالات بسیاری نوشت. اما در این نوشتار، از رهگذر بیان آسیب‌ها، به شماری از فواید و مقاصد عزاداری نیز اشاره می‌شود. به عبارت دیگر، می‌کشیم آسیب‌های عزاداری را با نگاه به آنچه از عزاداری مقصود است، بنگریم و از راه مقایسه اهداف با آفات، به مقصود خود برسیم. بنابراین آنچه در پی می‌آید، بررسی برخی از مهم‌ترین آفات و آسیب‌هایی است که سنت تاریخی و عقیدتی عزاداری را تهدید می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## آسیب‌های عزاداری بر امام حسین (ع) علوم انسانی

### ۱. ناهمخوانی با روح نهضت حسینی

مراسم عزاداری برای حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) باید با هدف و روح نهضت عاشورا همخوان و همسو باشد. این همخوانی و همسویی، کمترین چیزی است که از همه برنامه‌های عزاداری و مجالس حسینی انتظار می‌رود. به هیچ روی پسندیده و پذیرفته نیست که در مجلس یادبود کسی، بر خلاف نظر و اهداف او سخن گفت و اجرای برنامه کرد. از این رو بر همه ذاکران مصیبت و گویندگان و مداحان است که نخست درباره این نهضت شگفت و تا حدی پیچیده، مطالعه کنند و بیندیشند و سپس بلندگوهای مجالس را در اختیار گیرند.

می‌دانیم که تاکنون تحلیل‌ها و تحقیقات بسیاری درباره قیام حسینی (ع) به رشته تحریر درآمده است. گرداندگان مجالس عزاء، باید اجمالی از این تحلیل‌ها و تحقیق‌ها را بدانند. دست کم بدانند که هدف حسین (ع) از قیام چه بود و او با چه انگیزه‌هایی مدینه را به قصد مکه ترک کرد و از آنجا به سوی کوفه رهسپار شد. آیا هدف آن بزرگوار، تشکیل حکومت اسلامی بود؟ آیا چون از شهادت خود خبر داشت، قصدش از خروج، تضعیف حکومت اموی بود نه تشکیل حکومت؟ آیا امام (ع) تن به شهادت فدی‌ه‌ای داد؟<sup>۷</sup> آیا سیدالشهداء (ع) راه دیگری داشت یا برای ایشان گریزی از شهادت نبود؟ آیا در موضوع قیام کربلا باید نگاه تاریخی داشت یا کلامی یا هر دو؟ از این گونه سؤالات بسیار است و هنوز میان عالمان و محققان در این باره بحث و گفتگو است.<sup>۸</sup> برای آنکه بتوان مجالس عزای حسینی را کمابیش در دایره اهداف قیام آن امام گرامی (ع) نگه داشت و به بیراهه‌ها نرفت، لازم است که گویندگان و مداحان و نوحه‌خوانان کمابیش از این گونه مطالعات داشته باشند؛ وگرنه این امکان وجود دارد که آنان، با امام (ع) کاری کنند که کوفیان و لشکریان یزید کرد!

به مثل، یکی از مهم‌ترین مطالبی که درباره قیام عاشورا باید دانست، این است که پیام‌ها و پیامدهای این نهضت خونین، غیر از اهداف آن است. یعنی عاشورا، اهدافی داشت و نتایجی. نتیجه‌ها ضرورتاً همان اهداف نیستند. گاهی ما از کاری، هدفی را منظور می‌کنیم، اما ممکن است به نتیجه‌ای غیر از هدف خود برسیم. نتیجه یا پیامد، گاهی همسو با اهداف است گاهی نه. برای مثال، هدف باغبان از کاشتن درخت، میوه آن است؛ اما آن درخت افزون بر میوه، فواید دیگری هم دارد، مانند سایه و جلوگیری از فرسایش خاک. در اینجا هدف و نتیجه (سود) منافاتی با هم ندارند. گاهی نیز پیامدها، مخالف اهداف است. نهضت سرخ حسینی (ع) اهدافی بوده است و نیز نتایج و فوایدی نیز بر آن مترتب شده است. بسیاری از آنچه گاهی جزء اهداف امام حسین (ع) می‌شمارند، در واقع از پیامدها و نتایج آن نهضت بوده است. به مثل، همین مجالس عزاداری که شیعیان برگزار می‌کنند، از فواید و برکات عاشورا است. در این مجالس، احکام دینی تعلیم داده می‌شود؛ مستمعان با تاریخ و عظمت اسلام آشنا می‌شوند و صدها سود و برکت دیگر. اما آیا می‌توان گفت که هدف امام حسین از قیام عاشورا، برگزاری همین مجالس بوده است؟ کسانی که چنین عقیده‌ای دارند، میان

هدف و نتیجه همسو با هدف خلط کرده‌اند. این اختلاط، از منظر اسلام شناسان بسیار مهم است؛ زیرا پیامدهای ناخواسته‌ای دارد. مداحان و ذاکران مصایب اهل بیت (ع) گاهی این حساسیت‌ها را در نمی‌یابند و به گونه‌ای سخن می‌گویند که مستمع به این باور می‌رسد که - مثلاً - امام حسین (ع) و خاندان کریمش همه آن مصایب را تحمل کردند که ما اینک بنشینیم و گریه کنیم. گریه بر مصایب اهل بیت (ع) انسان‌ساز و حیات‌بخش است؛ اما این گریه و برکات آن، از پیامدهای عاشورا بود که بارهبری فرزندان معصوم امام حسین (ع) پدید آمد، نه از اهداف آن. خلط این دو مسئله، ماهیت مجالس عزاداری را دگرگون می‌کند. بسیار فرق است بین مجلسی که در آن می‌گویند امام حسین (ع) قصد براندازی حکومت ظلم را داشت، با مجلسی که در آن گفته می‌شود امام (ع) کشته شد تا ما گریه کنیم! در واقع این دو سخن، منافاتی با هم ندارند، اما مستمع باید بداند که یکی هدف بود و دیگری پیامد سودمند. تفکیک آن دو از هم، مجالس عزاداری را به سوی تربیت نسلی شجاع و هوشیار و حساس هدایت می‌کند.

گاهی درباره قیام کربلا، سخنانی گفته می‌شود که درست در مقابل هدف نهضت قرار دارد. به مثل، برخی می‌گویند امام (ع) کشته شد که خداوند امت او را ببخشد!<sup>۹</sup> استاد مطهری به صراحت و درستی، این نظریه را که در قرون پیشین طرفداران بیشتری داشت، رد کرده می‌گوید: [برخی می‌گویند] شهادت آن حضرت به عنوان کفارة گناهان امت واقع شد. امام حسین (ع) شهید شد که اثر گناهان را در قیامت خنثا کند و به مردم از این جهت آزادی بدهد. یعنی امام حسین (ع) دبد که تعداد یزیدها و شمرها و سنان بن انس‌ها کم است، خواست بر عده اینها افزوده شود! یعنی ابی عبدالله یک شرکت بیمه تأسیس کرد! بیمه چه؟ بیمه گناه. گفت ایها الناس هر چقدر که می‌توانید بد باشید من بیمه شما هستم!<sup>۱۰</sup>

همین تصور غلط و خطرناک است که مضمون شعرهای سخیفی مانند شعر زیر شده است:

بادا فدای خاک رهش، صد هزاران جان

چون کرد جان به امت عاصی فدا حسین<sup>۱۱</sup>

مداحان و ذاکران باید نکات بسیاری از این گونه که گفتیم، بدانند تا مبادا مجالس حسینی را از راه حسینی جدا کنند. به عقیده نگارنده، بزرگ‌ترین آسیب احتمالی در مجالس عزاداری



برای امام حسین (ع) دوری و بیگانگی از مرام و مکتب امام (ع) است که گاهی گریبان برخی از حلقه‌های ذکر مصیبت را می‌گیرد و آنان را فرسنگ‌ها از هدف نهضت کربلا دور می‌کند. به سخن دیگر، باید میان اهداف نهضت و هدف ما از مراسم عزاداری تناسب باشد. اگر غیر از این باشد، هیچ سودی از این برنامه‌ها و اشک ریزی‌ها و بر سر و سینه زدن‌ها نمی‌بریم؛ بلکه آسیب‌های زیانباری بر پیکر امت وارد می‌شود.

## ۲. تحریف و انحراف

تاریخ عاشورا، سرشار از نظریه‌ها و قرائت‌ها و سویه‌های گوناگون است. پاره‌ای از این گفته‌ها و نوشته‌ها، هیچ‌گونه همسویی با منابع معتبر و نصوص تاریخی و فلسفه نهضت امام (ع) ندارد. در بازخوانی نهضت کربلا، گاه با داستان‌ها و نظریه‌ها و حاشیه‌هایی مواجه می‌شویم که به حتم براننده نام انحراف و تحریف‌اند. مرحوم میرزا حسین طبرسی، استاد مرحوم شیخ عباس قمی (صاحب مفاتیح الجنان) مشهور به محدث نوری در کتابی موسوم به لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوان،<sup>۱۲</sup> شماری از این دست انحرافات را باز گفته است. در عصر حاضر، مرحوم استاد شهید مطهری نیز در کتاب حماسه حسینی (سه جلد) با تفصیل بیشتری در این باره سخن گفته‌اند. آنچه مسلم و باورپذیر است، رسوخ پاره‌ای داستان‌ها و تحلیل‌های منحرف به مجالس عزاداری است. نیز مسلم است که هرگونه انحراف و خطا و گزافه‌گویی در مجالس حسینی، دستبرد به اعتقادات مسلمانان و انحراف در مسیر دینی امت است. متأسفانه این دستبردها و انحرافات، اکنون به قدری است که علاوه بر امام حسین (ع) بر عاشورا نیز باید گریست. به گفته یکی از نویسندگان معاصر، «به جز اینکه امام حسین (ع) در عاشورا شهید شده است، عاشورا نیز در تاریخ شهید شده و پیام اصلی عاشورا (عدالت) فراموش گشته است. پس در هر عاشورایی دو شهید موجود است و بر هر شهیدی نوحه‌ای واجب»<sup>۱۳</sup>

برای جلوگیری از نفوذ و گسترش بیشتر این آفت و ویرانگر، چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد توصیه‌ها و راهکارهای زیر، کمابیش می‌توانند راهگشا باشند:

یک. عدم استفاده از منابع ضعیف

نخست ضروری است که گویندگان و مداحان، جز از مقاتل معتبر و کتاب‌های تحقیقی

استفاده نکنند؛ زیرا از میان ده‌ها و صدها مقتل موجود در بازار کتاب، اندکی از آنها اعتبار تاریخی و عقیدتی دارد.

حتی برخی از ذاکران، مراجعه به هیچ کتابی را - اعم از معتبر و غیر معتبر - وظیفه خود نمی‌دانند و به آنچه از دیگران شنیده‌اند، بسنده می‌کنند! این کم‌کاری و بی‌مبالاتی باعث شده است که اندک اندک قضایا و سخنانی در مجالس عزاداری اباعبدالله گفته شود که در هیچ منبع موثق یا نیمه موثقی دیده نمی‌شود. برای نمونه کافی است بدانیم که جمله مشهور «ان الحیة عقیده و جهاد» که به امام حسین (ع) منسوب است، هیچ‌گونه سند قابل اعتنایی ندارد. شهید مطهری و چند تن دیگر از محققان درباره سند و محتوای این حدیث اظهار نظر کرده‌اند که خواندنی است.<sup>۱۴</sup> همچنین است ماجرای جمله اسقونی شربة من الماء؛ «جرعه‌ای آب به من بنوشانید!» چگونه ممکن است گوینده این جمله، همان کسی باشد که شعارش «هیئات منا الذله»<sup>۱۵</sup> بود؟ آیا امکان دارد سالار شهیدان و سرور آزادگان که می‌گفت «مرگ با عزت، بهتر از زندگی ننگین است»<sup>۱۶</sup> از مردمی پست و قاتل، تقاضای جرعه‌ای آب کند؟ از این‌گونه جملات و وقایع کذب، در افواه برخی از مداحان کم نیست. آنان شنیده‌ها را در حکم مسلمات می‌دانند و هر چه را که جایی می‌شنوند، همه جا نقل می‌کنند؛ غافل از اینکه بزرگ‌ترین دشمنی با سیدالشهداء، نقل همین‌گونه جملات و عبارات است.

#### دو. پرهیز از ناهماهنگی یا روح نهضت

معیار و میزان تشخیص انحرافات، فقط گزارش‌های تاریخی نیست؛ بلکه بهترین و عمومی‌ترین ملاک برای تفکیک خطا از صواب، توجه به فلسفه و روح نهضت حسینی (ع) است. به سخن دیگر، نهضت عاشورا را مانند «احادیث» از دو منظر می‌توان دید: سند و متن. گاهی روایتی را از منظر سند آن بررسی می‌کنند و سپس حکم به ضعیف یا صحیح بودن آن می‌دهند؛ اما گاهی حدیثی را از نظرگاه متن آن می‌نگرند؛ یعنی فارغ از سند، دلالت و متن آن ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. حوادث و گزارش‌های عاشورایی را هم باید از حیث سند تاریخی آنها بررسی و هم از حیث متن و دلالت مفهومی. حوادث و ماجراهای بسیاری را از روز عاشورا و حوادث پیش یا پس از آن نقل می‌کنند. برای ارزیابی آنها دو راه موجود است: نخست اسناد و مدارک معتبر تاریخی، و دوم تطبیق با هدف و روح نهضت. بسیاری از آنچه

در باره امام (ع) و نهضت خونین ایشان نقل می‌کنند، افزون بر ناهماهنگی با منابع تاریخی، با آرمان‌های نهضت نیز همخوانی ندارد.

مرحوم استاد شهید مطهری، ناهماهنگی نوع اول را، تحریف لفظی، و ناهماهنگی نوع دوم را تحریف معنوی نام گذاری کرده و نوشته‌اند:

در نقل و بازگو کردن حادثه عاشورا، ما هزاران تحریف وارد کرده‌ایم؛ هم تحریف‌های لفظی، یعنی شکلی و ظاهری... و هم تحریف در تفسیر این حادثه. با کمال تأسف این حادثه، هم دچار تحریف‌های لفظی شده و هم دچار تحریف‌های معنوی. گاهی از اوقاف، تحریف‌هایی که می‌شود لاقلاً با اصل مطلب هماهنگی دارد، ولی گاهی اوقات تحریف کوچک‌ترین هماهنگی با اصل مطلب که ندارد هیچ، قضیه را مسخ هم می‌کند، قضیه را به کلی واژگون می‌کند و به شکلی در می‌آورد که به صورت ضد خودش در می‌آید. باز هم با کمال تأسف باید بگویم تحریف‌هایی که به دست ما مردم در این حادثه صورت گرفته است، همه در جهت پایین آوردن و مسخ کردن قضیه بوده است، در جهت بی‌خاصیت و بی‌اثر کردن قضیه بوده است. و در این قضیه، هم گویندگان و علمای امت، و هم مردم تقصیر داشته‌اند.<sup>۱۷</sup>

مطالعه مجلدات سه گانه حماسه حسینی اثر استاد شهید مطهری، و آثار دیگری که در این باره نوشته شده است،<sup>۱۸</sup> به خوبی نمونه‌های آشکار و پنهان انواع تحریفات را در ماجرای عاشورا نشان می‌دهد.

**سه. پرهیز از زیاده روی در استفاده از زبان حال**

زبان حال، یکی دیگر از عوامل تحریف است. استفاده از زبان حال به خودی خود هیچ اشکالی ندارد؛ اما آنگاه که وسیله‌ای می‌شود برای تحمیل عقاید و باورهای گوینده بر منقول عه، خطر ساز و خطا خیز می‌گردد. بسیاری از ذاکران مصایب حسینی، از این زبان برای گریاندن مردم سود می‌برند و همان طور که گفتیم این بهره‌بری فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ اما با دو شرط:

اولاً از این زبان باید در جایی استفاده کرد که زبان حال موجود نباشد. اما در ماجرای عاشورا به قدری اسناد و اقوال و سخنان معتبر وجود دارد که نیاز چندانی به این زبان مشکوک و دوپهلوی نیست.

ثانیاً زبان حال باید واقعاً زبان حال باشد؛ یعنی هیچ گونه مخالفتی با روح نهضت امام(ع) و برنامه‌های آن حضرت و منش معصومین(ع) نداشته باشد. پاره‌ای از زبان حال‌ها، گریزگاهی برای بیان امور غیر واقعی و سخیف است. تنها کسانی اجازه استفاده از این زبان را دارند که به خوبی و به دقت از زبان قال باخبرند و در مسئله عاشورا صاحب نظر. ما مجاز نیستیم هر جا که کم می‌آوریم و سخنی برای نقل نداریم، به زبان حال متوسل بشویم و به بهانه آن هر رطب و یابسی را به امام(ع) و یاران و خویشان ایشان نسبت دهیم. استفاده بی‌جا و بی‌منا از زبان حال قطعاً از مصادیق تحریف و انحراف است که متأسفانه کمابیش در مجالس عزاداری شیوع دارد.

این نیز گفتنی است که برخی از زبان حال‌ها چنان شهرتی یافته‌اند که بسیاری از مردم واقعیت آنها را فراموش کرده، گمان می‌کنند چنین سخنان به واقع گفته شده است.

### ۳. غلو

غلو و مبالغات ناشیانه، آفتی است که عاشورا را بسیار آزرده است. در سیره امامان معصوم(ع) با هیچ انحرافی مانند غلو برخورد نشده است. ائمه بزرگوار شیعه(ع) در مقابل هر گونه مبالغه و غلوی می‌ایستادند و تاریخ گواه است که در این مبارزه، هرگز اهل تساهل و مداهنه نبودند. علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید دو گروه درباره من دچار هلاکت شدند: نخست آنان که در حق من غلو کردند و دوم گروهی که درباره من تقصیر کردند و مرا کمتر از آنی که هستم، پنداشتند. از این گونه سخنان در فرهنگ شیعی بسیار می‌تون یافت. افزون بر همه و پیش از همه، قرآن کریم به میدان جنگ با غلو رفته و فرموده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ». (نساء: ۱۷۱)

«ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و سخن ناحق به خداوند نسبت ندهید.» این آیه شریفه در سوره نساء است و شبیه آن در سوره مائده تکرار شده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده: ۷۷) «بگو ای صاحبان کتاب [های آسمانی]، در دینتان از آنچه بایسته است، فراتر نروید که آن ناروا است، و از خواسته‌ها و اندیشه‌های مردمی که پیش از شما به بیراهه رفتند و گروه بسیاری را به گمراهی افکندند و خود از راه راست گمراه شدند، پیروی نکنید.» از امام

صادق(ع) نیز نقل شده است که: احذروا علی شبایکم الغلاه لا یفسدوهم فان الغلاه شر خلق الله؛<sup>۱۹</sup> یعنی «جوانان خود را از اهل غلو بپرهیزانید که آنان بدترین مخلوق خداوند هستند.»

عاشورا، از موضوعاتی است که متأسفانه غلات در آن بسیار دست برده‌اند و اکنون به سختی می‌توان همه گزافه‌گویی‌های آن را از فرهنگ شیعی زدود. زمینه غلو، میل مردم به شنیدن سخنان عجیب و دور از تصور است. از این رو، عده‌ای از جاهلان و معاندان تا توانستند از این گونه اخبار و حرف‌ها وارد نهضت عاشورا کردند. کثرت و میزان نفوذ غلو اکنون به قدری است که آسیب‌زدایی را دچار مشکل کرده است و نیاز به عزم همه عالمان و مداحان و نویسندگان دارد.

غلو و زیاده‌گویی، اولاً تصویری نامعقول و غیر واقعی از عاشورا می‌سازد. این تصویر اگر چه برخی از مردم را جلب و جذب می‌کند، اما در دراز مدت باعث سستی ارکان باورهای دینی جامعه می‌شود. این تصویر نامعمول و نامعقول، موجب می‌گردد که بخش‌هایی از مردم به این باور برسند که امام حسین(ع) و نهضت باشکوه او، قابل‌الگوگیری نیست؛ بلکه حادثه‌ای پر از عجایب و شگفتی است که فقط باید برای آن گریست. زیرا حادثه‌ای که سرشار از امور غیر طبیعی باشد، نمی‌تواند الگو و ملاک عمل برای همه مردم باشد. تصویری که غلات از ماجرای عاشورا می‌سازند، به قدری عجیب و دور از ذهن است که کسی را به فکر تأسی و پیروی و همانندسازی نمی‌اندازد.

کسانی که عشق به اهل بیت(ع) را بهانه غلو و گزاف‌های خطرناک خود می‌کنند، آیا می‌دانند چه لطمه‌ای به حیثیت جهانی شیعه می‌زنند؟ آیا دانشمندی پیدا می‌شود که بتواند از جملات زیر دفاع کرده، مخالفان تشیع را قانع نماید؟

- کشته شدگان به دست امام حسین(ع) بیش از ۴/۰۰۰/۰۰۰ نفر بودند.<sup>۲۰</sup>

- من دیوانه شدم زنجیر کو / من حسین اللهم تکفیر کو

- امشب از عشق تو مست مستم من / هر چه بادا باد، علی پرستم من

- صفا و مروه دیده‌ام، دور حرم دویده‌ام / هیچ کجا برای من کرب و بلا نمی‌شود

- خونی که ز سر و سینه عزاداران امام حسین بچکد، از آب پاک‌تر است.

- هر کس که از اول محرم تا آخر صفر سیاه بر تن نکند، شیعه نیست.

البته از این گونه سخنان در شمار اندکی از مجالس عزاداری گفته می‌شود؛ اما همین مقدار کافی است تا عده‌ای از مخالفان، همه شیعیان را - به ناحق - متهم به کفرگویی و غلو کنند.

#### ۴. مداح محوری و سکوت عالمان

متأسفانه مجالس کنونی عزاداری، بیش از آنکه بر محور عالمان و خطبای فاضل باشد، بر محور مداح و مداحی است. روشن است که عامه مردم بیش از شنیدن سخنان عالمانه و مباحث علمی، میل به شنیدن نغمه‌های حزین دارند و ذکر مصیبت را مهم‌تر از بیانات علمی درباره امام حسین (ع) می‌دانند. به همین دلیل به مرور زمان حضور عالمانه خطیبان، هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و در عوض، سوگ‌خوانان هر روز سهم بیش‌تری از این مجالس را می‌گیرند. در اینکه در مجلس عزاداری مدح و مداحی لازم است، تردیدی نیست؛ همه سخن در تناسب و میزان است. طبیعی و معقول، آن است که نقش محوری در مجالس، متعلق با عالمان باشد و مدح خوانان بر رونق و صفای مجلس بیفزایند. اما آنچه در برخی از مجالس دیده می‌شود، حضور حاشیه‌ای عالم، و حضور پررنگ مداح است. این وضعیت، نه به نفع عالمان دین است و نه به سود و وظیفه مقدس مداحی و نه منفعتی برای جامعه دینی دارد.

اما حضور مؤثر عالمان دینی در مجالس عزاداری، دست کم از دو جهت ثمربخش است: اولاً آنان می‌توانند بخش مهمی از وقت مجلس را به بیان معارف و مباحث علمی اختصاص دهند. ثانیاً می‌توانند در مقابل هر گونه سخنان خلاف و گزاف دیگران موضع بگیرند و از این رهگذر در سالم‌سازی مجالس مؤثر باشند. سکوت دانشمندان و دانایان، زمینه را برای خرافات و سخنان خلاف هموار می‌کند.

در احوالات مرحوم سیدمحمدباقر درچه‌ای (استاد آیت الله بروجردی و آقای رحیم ارباب و سیدابوالحسن اصفهانی و...) نوشته‌اند: آن بزرگوار درباره وعظ و اعظان و مطالبی که در روضه‌ها می‌خواندند، حساسیت نشان می‌داد. به همین دلیل کسی جرأت نداشت در محضر ایشان حرف‌های خلاف واقع بزند. یک بار واعظی روی منبر گفت: امام حسین (ع) روز عاشورا همه هستی خود را برای خدا داد. بنابراین خداوند نیز روز قیامت هستی و نیستی‌اش را در اختیار امام حسین (ع) می‌گذارد و خواهد گفت: بخواه هر چه می‌خواهی و هر

چه می خواهی بکن. خدایی من در دست تو است. تو همه چیزت را برای من دادی، من نیز همه چیز را به تو می دهم. در این لحظه، آیت الله سید محمدباقر درچه‌ای با صدایی رسا و بلند فریاد زد: برای این حرفت سند هم داری یا فقط می خواهی ما را بگریانی؟<sup>۲۱</sup> یک بار هم واعظی روی منبر از قول حضرت زینب گفت: «ای برادر! آنقدر گریه کردم که پیر شدم.» مرحوم درچه‌ای، باز اعتراض کرد و از واعظ خواست که بدون مدرک سخن نگوید.<sup>۲۲</sup>

یکی دیگر از عالمان بزرگوارانی که در برابر انحرافات سکوت نکرد و در معرض دشنام‌ها و بدگویی‌های گروهی مقدس مآب قرار گرفت، مرحوم آیت الله سید محسن امین عاملی، از علمای بزرگ شیعه در لبنان و صاحب کتاب ارزشمند اعیان الشیعه است. وی را می توان از مجاهدان فرهنگی جهان اسلام شمرد. او در پاک‌سازی مراسم عزاداری حسینی، از خرافات و بدعت‌ها پیشگام بود و در این زمینه شجاعت بی‌مانندی از خود نشان داد. علامه سید محسن امین، علاوه بر تذکرات شفاهی و نامه‌نگاری به برخی از بزرگان عصر خود، کتاب مهمی در ۵ جلد، به نام «المحاسن السنیه فی مناقب و مصائب النبی و العترۃ النبویه» نوشت. پس از آن، «التنزیه لاعمال الشیبه» را نگاشت و در آن به تحریم قمه‌زنی فتوا داد. تألیفات و اقدامات علامه سید محسن امین، گروهی از جاهلان و متعصبان را واداشت که به ساحت آن مرجع عالیقدر اسائه ادب کرده، تهمت‌های بسیاری علیه او بسازند. وی در جلد دهم اعیان الشیعه می نویسد:

قمه زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی، به حکم شرع و عقل حرام است، و زخمی ساختن سر که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایدای نفس است که در شرع مقدس حرام شمرده شده است. این اعمال، شیعه اهل بیت (ع) را در انظار مردم مورد تمسخر قرار داده و آنان را وحشی می‌نمایند و شکی نیست که این اعمال از وساوس شیاطین بوده و موجب رضایت خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت اطهار (ع) نیست. من هیچ‌گاه در این مراسم که توسط کنسولگری ایران در مسجد سیده زینب در دمشق برگزار می‌شود، شرکت نکرده‌ام و مردم را هم از شرکت در آن نهی نموده‌ام و به همین دلیل رساله التنزیه را نوشتم که چاپ شد و به فارسی هم ترجمه گردید و به دنبال آن بود که گروهی از قشریون و کسانی که خود را به دین منسوب می‌دارند، قیام کردند و غوغا بر پا ساختند و حتی در میان مردم عوام شایع کردند که من با عزاداری مخالفم! به این تهمت نیز قناعت نکردند و برخی از اهل دیانت را علیه من تحریک کردند و...<sup>۲۳</sup>

## ۵. سوء استفاده‌های مالی

شک نیست که عده‌ای در ایران و دیگر محیط‌های شیعی از حواشی مراسم عزاداری ارتزاق می‌کنند. این مسئله، به خودی خود مذموم نیست؛ اما اگر ارتزاق از دستگاه حسینی به سوء استفاده مالی بینجامد، مشمول حکم حرام است. سوء استفاده مالی از عقیده مردم به امام حسین (ع) مصادیق فراوانی دارد که شرح و تفصیل آن را باید به عقل و شرع سپرد. در اینجا همین قدر می‌افزاییم که در اصول کافی از امام باقر (ع) نقل شده است که: لا تأکل بنالناس فیقرک الله؛<sup>۲۴</sup> یعنی «به بهانه ما مردم را چپاول نکن که خداوند فقر را بر تو مسلط می‌کند.» باز به گفته آن بزرگوار (ع)، خداوند کسانی را که دستگاه دین را به سفره نان و نام خود تبدیل کرده‌اند، لعنت کرده است.<sup>۲۵</sup>

روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در آنها از رفتار کاسب کارانه در مراسم عزاداری، نهی شدید شده است. از منش اخلاقی و منشی دینی نیز چنین بر می‌آید که نباید ورود به برنامه‌های مذهبی و تبلیغ مرام حسینی را به مثابه شغل پنداشت و سپس آن را توجیه کرد. گاهی سودجویانه‌ترین رفتار در این مقوله مقدس از سوی برخی کاسب کاران حرفه‌ای اتفاق می‌افتد؛ اما آنان همگی این گونه سودجویی و درآمدهای نامشروع را توجیه می‌کنند و حتی به خیال خام خود می‌پندارند خالص‌ترین خادمان عاشورا در روی کره زمین‌اند!

یکی از زمینه‌های سوء استفاده مالی در مراسم و مجالس عزاداری، رقابت‌های شدیدی میان برخی از گروه‌ها و هیئت‌های مذهبی است. این رقابت‌های نامطلوب، بازار گرم و رونق‌مندی را برای برخی از صاحبان صدا و هنر مداحی فراهم کرده است. اگر چه اکثر ذاکران و مداحان اهل بیت (ع) جز به نیت تقرب و اخلاص، زبان به ذکر مصیبت نمی‌گشایند، اما همواره عده‌ای سست ایمان و سودجود در گوشه و کنار هستند که زحمات خالصان و زحمت‌کشان را هدر می‌دهند تا خود به نان و نوایی برسند.

البته دریافت حق الزحمه بابت نوحه خوانی یا هر خدمت دیگری، هیچ منع شرعی یا عرفی ندارد؛ چنان که از امام صادق (ع) نقل شده است:

قال لي أبي: يا جعفر! أوقف لي من مالي كذا وكذا التواب تذبني عشر سنين يعني أيام مي؛ «پدرم امام باقر - علیه السلام - به من فرمود: ای جعفر! از مال خودم فلان مقدار وقف نوحه خوانان



کن که به مدّت ده سال در ایام حجّ، بر من نوحه خوانی و سوگواری کنند.»<sup>۲۶</sup> همه سخن در این است که نوحه خوانی و مداحی و ذکر مصایب اهل بیت (ع) نباید به شغل سودآوری تبدیل شود و گروهی - هر چند اندک - از این نمد برای خود کلاه‌های زربافت بیافند.

### ع. آسیب‌های دیگر

آفات و آسیب‌های خرد و کلان دیگری را نیز می‌توان شمرد؛ زیرا متأسفانه شمار آنها اندک نیست. در اینجا برای پرهیز از اطالۀ کلام، پاره‌ای دیگر از آسیب‌ها را فقط نام می‌بریم و شرح و تفصیل آنها را به مجالی دیگر می‌سپاریم:

یک. فراهم آوردن آزار و اذیت برای دیگران بر اثر صدای بلندگو، بسته شدن خیابان و... که تکرار آنها ضد تبلیغ است.

دو. استفاده از شعار و نواهایی که در شأن عزاداری نیست.

سه. غلبۀ بعد عاطفی و رثایی بر بعد عقیدتی و حماسی عاشورا.<sup>۲۷</sup>

چهار. مریدسازی، متأسفانه گاهی دیده می‌شود که برخی از عزاداران در همه امور عقیدتی و حتی زندگی خود، از مداح مشهوری تقلید می‌کنند و او را در همه امور سرمشق خود قرار می‌دهند. در حالی که پسندیده‌تر آن است که دست ارادت به عالمان و دانشمندان داده شود. پنج. مجالس عزاداری نباید محلی برای تبلیغ جناح‌های سیاسی یا سیاست‌مداران باشد. قداست و معنویت برنامه‌های عاشورایی فراتر از دسته‌بندی‌های سیاسی است و هرگز نباید این محافل روحانی را به متینگ‌های سیاسی تبدیل کرد.

شش. آسیب رساندن به بدن با قمه یا هر وسیله دیگر.

هفت. طولانی شدن برنامه‌ها تا دیر وقت.

هشت. افراط در وصف سیمای ظاهری معصومین (ع). اهل بیت (ع) الگوی زندگی‌اند، و نباید در مجالس و عظم و ذکر، سخنانی گفت که الگو و سرمشق بودن آنان تحت الشعاع قرار گیرد. اخیراً در برخی از مجالس سخن از چشم و ابروی اهل بیت (ع) نیز گفته می‌شود. اگر چه عاشقان دوست می‌دارند درباره معشوق خود بیشتر بدانند، اما نباید در این موضوع افراط کرد.

نه. افراط در شاعرانگی. برنامه‌های مذهبی باید بیشتر به منظور معرفت‌بخشی و آشنایی با معارف دینی برپا شوند. بنابراین بایسته است که به شعر و شاعرانگی در حد نیاز و چاشنی پرداخت؛ نه آنکه شعرخوانی اصل باشد و سخنان علمی در حاشیه. ده. استفاده از تعابیر خوارکننده و ترحم‌انگیز، مانند زینب مضطر و زین العابدین بیمار و قاسم داماد.

حضرت زینب (س) در جواب طعنه‌های یزید فرمود: ما رأیت الا جمیلا. کسی که چنین سخنی در برابر چنان ظالمی گفته باشد، مضطر نیست. زینب (س) غمگین و نگران بود، اما وحشت زده نبود.

تعابیری همچون «بیچاره!» برازنده دختر علی ابن ابی طالب (ع) و شیرزن کربلا نیست. چه خوش گفته است شاعر که «کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود». یازده. استفاده از دلایل سست برای اثبات حقایق استوار. نباید برای توضیح و تشریح حقیقت‌های دینی به اموری مانند خواب و رؤیا و نقل قول‌های نامعتبر استفاده شود. دوازده. استفاده از الحان و نغمه‌های مبتذل یا هر آهنگی که ترانه‌های مشهور را برای شنونده تداعی می‌کند.

سیزده. اکتفا به مداحی و کاستن از برنامه‌های محتوایی. از این آفت، باید با عنوان «خطر» یاد کرد و متأسفانه رو به رشد است. شور بدون شعور، و محبت بدون معرفت، پایدار و مانا نیست.

### بایسته‌های عزاداری

تاکنون درباره نابیست‌ها در مجالس عزاداری سخن گفتیم؛ اما می‌سزد که در نوشتاری دیگر از بایسته‌ها و کمبودها نیز گفت؛ زیرا هر پدیده‌ای برای ماندگاری نیاز به تناسب منطقی یا روزگار خود دارد. همچنان که باید برنامه‌های سوگواری را از زوائد پیراست، باید همزمان آنها را به آرایه‌های جدید نیز آراست. به دلیل اهمیت این مسئله، طرح و شرح آن را به توفیق و مجالی دیگر می‌سپاریم؛ اما در پایان یادآوری می‌شود که در ماجرای

عزاداری و اصلاح مجالس ذکر مصیبت حضرت ابی عبدالله (ع) همچنان که باید شجاع بود، احتیاط و رفتار روان شناسانه نیز لازم است. یعنی نباید چنان رفتار کرد که پیامدهای منفی آن، بیش از آثار مثبت باشد. تاکنون بزرگان بسیاری قدم به این میدان نهاده‌اند؛ اما همچنان شاهد ناراستی‌ها و کاستی‌هاییم. چرا؟ شاید یک علت آن، این باشد که حرکت منسجم و سنجیده و هماهنگی صورت نپذیرفته است. چنین اصلاحاتی، نیاز به عزم عمومی و حضور همه بزرگان دینی دارد؛ وگرنه در همچنان بر همان پاشنه خواهد گردید.

### پی‌نوشتها:

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.
۲. محمدرضا حکیمی، سرود جهشها، ص ۷۲.
۳. شاهنامه، تصحیح پرویز اتابکی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۱۸-۱۵.
۴. محمد حسن قزوینی حائری، البراهین الجلیه فی رفع تشکیکات الوهائیه.
۵. آیات پایانی سوره فجر.
۶. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ابن قولویه، کامل الزیارات، به کوشش جواد قیومی، تهران، مؤسسه النشر الاسلامی؛ ابونعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، بیروت، ۱۹۶۷ م؛ ثواب الاعمال، ص ۱۹۲؛ نیز ر.ک: محمد محمدی ری شهری، دانش نامه میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، ج ۵، ص ۳۱۲-۹۴.
۷. شهادت فدیه‌ای، یعنی اینکه امام(ع) شهید شد تا امتش آمرزیده شوند. مسیحیان درباره حضرت مسیح، چنین عقیده‌ای دارند.
۸. برای تحقیق بیشتر در این باره ر.ک: رضا استادی، سرگذشت کتاب شهید جاوید، قم، چاپ قدس، ص ۸۲.
۹. این عقیده را مسیحیان درباره حضرت عیسی دارند و از آن به «شهادت فدیه‌ای» یاد می‌کنند.
۱۰. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۷۷.
۱۱. از اشعار فتحعلی شاه.
۱۲. این کتاب با تحقیق و ویرایش حسین استاد ولی و به همت دارالکتب الاسلامیه (تهران) در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است.
۱۳. محمدرضا حکیمی، جامعه‌سازی قرآنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۸۸.
۱۴. انسان کامل، ص ۱۳۱ - ۱۳۰ و ۱۴۴ - ۱۴۰. نیز ر.ک: چکیده مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، ج ۸، چاپ اول، ص ۱۱۸.
۱۵. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۹۹.
۱۶. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۶۸.
۱۷. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۱۸.
۱۸. از جمله ر.ک: محمد صحتی، عاشورا پژوهی با رویکرد تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین(ع)، انتشارات خادم‌الرضا(ع)، تابستان ۱۳۸۴.
۱۹. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۵.

۲۰. فاضل دربندی، اسرار الشهاده، ص ۳۴۵.
۲۱. سیدتقی درچه‌ای موسوی، ستاره‌ای از شرق، ص ۴۲۲-۴۲۳.
۲۲. همان، ص ۴۲۷.
۲۳. ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۶۳، با استفاده از ترجمه آل محمد.
۲۴. اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۶، ح ۶.
۲۵. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶۳.
۲۶. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰.
۲۷. ر.ک: مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی